حوادث جهان

دختر دانش آموز خوابگاه را آتش زد

مقامات گویان اعلام کردند که یک دانش‌آموز، عامل آتش‌سوزی مرگبار در خوابگاه مدرسه شبانه‌روزی دخترانه در این کشور بوده است. به گزارش الجزیره، در این حادثه ۱۹ نفر جان خود را از دست دادند. این حادثه اواخر روز یکشنبه رخ داد مقامات گویان اعلام کردند که این حریق توسط دانش‌آموز نوجوانی آغاز شد که از توقیف تلفن همراهش ناراحت بوده است. بسیاری از قربانیان این حادثه، دختران بومی بین ۱۲ تا ۱۸ ساله بودند که از شهرهای کوچک و روستاها به این مدرسه آمده بودند. کوچک‌ترین فردی که در این آتش‌سوزی جان خود را از دست داده، یک پسربچه پنج ساله بوده که گفته می‌شود پسر سرایدار این مدرسه بوده است.

باران مدارس اسپانیا را تعطیل کرد

در پی بارش شدید باران در جنوب شرقی اسپانیا، مدارس، دانشگاه‌ها و مهدکودک‌ها را تعطیل کردند.
به گزارش رویترز، بارندگی شدید همچنین منجر به آبگرفتگی جاده‌ها و وسایل نقلیه شده است. مقامات هواشناسی اسپانیا اعلام کردند که برخی از بخش‌های منطقه «والنسیا» طی چند روز شاهد بارش بیشتری نسبت به مجموع شش ماه گذشته بوده‌اند.
این باران‌ها می‌تواند به کاهش خشکسالی طولانی مدت اسپانیا کمک کند. با این حال، هنوز هم انتظار می‌رود که این فصل یکی از خشک‌ترین بهارهای تاریخ اسپانیا باشد.

گذشت پدربزرگ و مادربزرگ از قصاص نوه

مرضیه همایونی/ دختر جوانی که به اتهام قتل مادر میانسالش در یک‌قدمی چوبه دار قرار داشت در حالی با رضایت بی‌قید و شرط پدربزرگ و مادربزرگش از مجازات مرگ رهایی یافت که تنها برادرش خواهان دریافت دیه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از فروردین سال ۹۸ و زمانی آغاز شد که دختر جوانی در تماس با آتش‌نشانی مدعی شد برای خرید از خانه بیرون رفته و زمانی که بازگشته مادرش در خانه را باز نکرده است. امدادگران پس از باز کردن در خانه و ورود به آنجا با پیکر خونین زن میانسال در راه پله‌های طبقه دوم روبه‌رو شدند، اما وقتی مأموران اورژانس به محل رسیدند تا او را به بیمارستان منتقل کنند زن میانسال جان باخت. با توجه به مشکوک بودن مرگ وی، تحقیقات آغاز شد و تیم جنایی در تحقیق از همسایه‌ها دریافتند شب حادثه صدای درگیری این مادر و دختر را شنیده‌اند. همین شک مأموران را برانگیخت و به تحقیقات ادامه دادند. در جریان بررسی‌ها معلوم شد این زن از هفت سال قبل جدا از شوهرش زندگی می‌کرده و بر سر انتقال سه‌دانگ خانه به نام دخترش با او اختلاف داشته است. در تحقیقات بعدی، مأموران متوجه شدند آثار خراش و درگیری روی دستان زن میانسال و دخترش وجود دارد. همچنین لکه‌های خون مقتول روی لبه میزی در اتاق به جا مانده بود. بنابراین با دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران، دختر ۲۵ ساله به‌عنوان مظنون در قتل مادرش بازداشت شد.

در حالی که وی تا مدت‌ها منکر دخالت در قتل مادرش بود، سرانجام سکوتش را شکست و گفت: شب حادثه بر سر ماجرای انتقال سند با مادرم جروبحث کردم. ساعت ۹ شب دعوایمان شدت گرفت، موهایش را گرفتم و او را هول دادم که سرش با میز آرایش برخورد کرد و زخمی شد. چون اعصابم به‌هم ریخته بود برای خرید تنباکو و زغال بیرون رفتم و ساعت ۱۱ شب بازگشتم، اما در را باز نکرد و من هم با آتش‌نشانی تماس گرفتم.

در حالی که دختر جوان به اتهام قتل مادرش در دادگاه کیفری محاکمه شد، پدر و مادر مقتول و برادر متهم به‌عنوان اولیای‌دم پرونده برای دختر جوان درخواست قصاص کردند. وی که بشدت از کاری که کرده بود اظهار ندامت می‌کرد، خواهان بخشش خود شد اما با درخواست اولیای‌دم قضات حکم قصاص او را صادر کردند و پس از بررسی پرونده در دیوان‌عالی کشور حکم قصاص وی تأیید شد. بدین ترتیب دختر جوان در یک‌قدمی چوبه دار قرار گرفت.

با گذشت حدود ۴ سال از این ماجرا سرانجام پرونده برای انجام مقدمات اجرای حکم به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران رفت. از آنجا که دختر جوان بشدت از اقدام خود پشیمان و خواهان بخشش بود، اعضای هیأت صلح و سازش دادسرای جنایی تهران با برگزاری جلسات صلح و سازش و گفت‌وگو با پدربزرگ، مادربزرگ و برادر این دختر جوان، سرانجام موفق شدند رضایت آنها را جلب کنند و زن و مرد سالخورده برای رضای خدا نوه‌شان را بخشیدند اما برادر این دختر به شرط دریافت دیه حاضر به بخشش خواهرش شد. بدین ترتیب با رهایی این دختر از مجازات مرگ، وی بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

سرقت ۵ کیلو طلا با همدستی دختر طلاساز

گروه حوادث/ مرد طلاساز که ۵ کیلو از طلاهایش سرقت شده بود، تصور نمی‌کرد دختری که در کارگاهش کار می‌کند مسبب این سرقت باشد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل فروردین امسال مرد طلاسازی با مراجعه به پلیس گفت: ۵ کیلو طلا در کیف دستی‌ام گذاشته بودم تا آن را به طلافروشی ببرم و تحویل دهم، وقتی از کارگاه بیرون آمدم کنار خیابان منتظر تاکسی بودم که ناگهان دو موتورسوار به من حمله کردند و پس از ضرب و جرح شدید کیف طلاهایم را دزدیدند.

پس از این شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پلیس قرار گرفت. در نخستین گام مأموران به بررسی دوربین‌های مداربسته محل سرقت پرداختند و مشخص شد، مرد جوانی از ساعت‌ها قبل کنار خیابان منتظر مرد طلاساز بوده و به محض بیرون آمدن وی از کارگاه به همدستانش خبر داده است و سپس دو مرد موتورسوار نقشه سرقت را انجام داده‌اند.

با توجه به تصویر متهم و تطبیق چهره با آلبوم مجرمان سابقه‌دار اداره آگاهی، هویت وی شناسایی و دستگیر شد. وقتی متهم به اداره آگاهی منتقل شد در بازجویی‌ها گفت: من در این سرقت فقط نقش زاغزن را داشتم. سارق اصلی دوستم به نام پیمان بود و او با همدستی کیوان نقشه را اجرا کردند.

در ادامه متهم گفت: دوست‌دختر پیمان در آن کارگاه طلاسازی کار می‌کرد و او آمار صاحبکارش را به پیمان داده بود.

بدین ترتیب دختر جوان به نام میترا از سوی پلیس دستگیر شد. وی در بازجویی‌ها گفت: من در کارگاه طلاسازی کار می‌کردم. تا اینکه مدتی قبل با پیمان دوست شدم و قرار بود ازدواج کنیم، او به من گفته بود در کار خرید و فروش ارز دیجیتال و طلا است. من هم گفتم در طلاسازی کار می‌کنم. من ناخواسته اطلاعات زیادی به پیمان درباره طلاسازی داده بودم و او وقتی متوجه شد همیشه مقدار زیادی طلا در کارگاه است از من خواست آمار رفت و آمد صاحبکارم را به او بدهم تا نقشه سرقت را اجرا کند، بعد هم آن روز طلاها را دزدید اما بعد از سرقت به یک‌باره ناپدید شد و دیگر به تلفن‌هایم جواب نداد، الان هم خبری از او ندارم.

بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری دو متهم اصلی این پرونده ادامه دارد.

کلاهبرداری با بوتیک اینستاگرامی

دو مرد شیاد که به بهانه فروش لباس ارزانقیمت در اینستاگرام از کاربران کلاهبرداری می‌کردند، دستگیر شدند.

سرهنگ داود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در تشریح جزئیات این خبر گفت: چندی پیش فردی به پلیس فتای پایتخت مراجعه کرد و گفت در فضای مجازی به دنبال خرید لباس بودم که در یک صفحه اینستاگرامی تبلیغی از لباس‌های شیک با قیمت‌های مناسب مشاهده کرده و بدون بررسی هویت‌گردانندگان صفحه مذکور، مبلغی را برای خرید برای آنها واریز کردم اما بلافاصله پس از واریز وجه، وی را بلاک کردند و دیگر پاسخی از آنها دریافت نکرده است.

پس از این شکایت کارشناسان پلیس فتا ادمین و عامل اصلی صفحه این بوتیک اینستاگرامی را در یکی از مناطق جنوبی تهران دستگیر ومتهمان اعتراف کردند بیش از پنج میلیارد ریال از مردم کلاهبرداری کرده‌اند.

ضرب و شتم مأمور اورژانس در محله خاک سفید

گروه حوادث/ وزیر بهداشت خواهان برخورد جدی و قضایی با عاملان ضرب و جرح امدادگران اورژانس در محله خاک‌سفید شد.

محمداسماعیل توکلی، سرپرست اورژانس استان تهران دراین‌باره گفت: عصر روز سه‌شنبه، گزارشی مبنی بر تصادف یک دستگاه موتورسیکلت و عابر پیاده به مرکز ۱۱۵ اورژانس استان تهران اعلام شد که در پی آن بلافاصله نیروهای اورژانس استان تهران به محل حادثه در خاک‌سفید تهرانپارس اعزام شدند. زمانی که کارشناسان اورژانس در حال خدمت‌رسانی بودند، ناگهان عده‌ای به بهانه تأخیر اورژانس با کارشناسان درگیری فیزیکی پیدا کردند که این اقدام منجر به جراحت شدید پرسنل اورژانس و آسیب به آمبولانس شد.

وی گفت: اداره حقوقی اورژانس تا حصول نتیجه و مجازات خاطیان، پیگیر شکایت از این افراد است.

در پی این حادثه بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت که در ژنو به سر می‌برد، آخرین وضعیت نیروی اورژانس مورد ضرب و شتم قرار گرفته را پیگیری کرد و گفت: برای صیانت از همکارانمان تا آخرین لحظه پیگیری قضایی این موضوع ادامه پیدا کند.

دادگاه کیفری

پیرمرد متهم به قتل در دادگاه:

من قاتل همسرم نیستم

کامران علمدهی / پیرمردی که همسرش را با ضربه ماهیتابه به قتل رسانده بود، در حالی محاکمه شد که ۳ فرزند او اعلام گذشت کردند اما پسر کوچک‌شان خواستار قصاص پدرش شد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شهریور سال ۱۴۰۰به دنبال قتل زنی ۷۵ ساله به نام مریم در خانه‌اش آغاز شد. پس از آن مأموران به محل جنایت که خانه‌ای در رباط‌کریم بود اعزام شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که مقتول با ضربه ماهیتابه به قتل رسیده است، اما آثار ضربه چاقو نیز روی بدنش دیده می‌شد. هادی پسر کوچک قربانی که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: من هر روز به پدر و مادرم سر می‌زدم. روز حادثه به خانه آنها رفتم.

از پدرم سراغ مادرم را گرفتم که او با خونسردی گفت مادرت به خاطر خستگی خوابیده اما وقتی وارد آشپزخانه شدم ناباورانه جسد خونین مادرم را دیدم.به دنبال اظهارات پسر مقتول، پدر ۸۵ ساله وی بازداشت شد و پس از چند روز به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: ۶۰ سال پیش ازدواج کردیم، من همسرم را خیلی دوست داشتم اما او به من توجهی نمی‌کرد و همیشه برایش مهم بود که به هادی محبت و توجه کند.

حتی به تازگی همه اموالش را به نام هادی کرده بود و من احساس پوچی می‌کردم. تا اینکه روز حادثه در آشپزخانه با هم بحث‌مان شد و از عصبانیت ماهیتابه را به سرش کوبیدم.

در دادگاه چه گذشت

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه فرزندان مقتول غیر از پسر کوچکش هادی اعلام گذشت کردند.

وی گفت: من اولین نفری بودم که بالای جسد مادرم رسیدم. هنوز خاطره آن روز از ذهنم پاک نشده و نمی‌توانم از خون مادرم گذشت کنم. به همین خاطر برای پدرم قصاص می‌خواهم.

سپس متهم که به سختی حرکت می‌کرد با کمک مأموران زندان به جایگاه رفت و گفت: مدتی قبل در حمام زندان زمین خورده‌ام و مهره کمرم شکسته و وضعیت خوبی ندارم. من اتهام قتل را قبول ندارم و بی‌گناه هستم. من آن شب خوابیده بودم.

ساعت ۴ صبح بود که با سیلی که به صورتم خورد از خواب بیدار شدم.

همسرم را دیدم که بالای سرم ایستاده بود. او با عصا ضربه‌ای به سینه‌ام زد که عصا شکست. همسرم چاقو در دست داشت و می‌خواست مرا بکشد. به همین خاطر او را هل دادم. علت درگیری ما همین پسری است که حالا می‌خواهد قصاص شوم. من دو مغازه و یک خانه به او دادم اما او اجاره آنها را به من نمی‌داد. حتی خانه برادرش را هم از او گرفته بود. همسرم با او همدست شده بود تا همه ثروتم را بالا بکشند. من سر همین موضوع مدام با همسرم درگیری داشتم.

با پایان جلسه رسیدگی به این پرونده قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.